
Conceptualizing and Truth-Seeking the Mission of the “Islamic Lifestyle” in Explaining the Fundamental Criteria of “Iranian-Islamic Housing” in the Age of Globalization

Erfan Khasm Afkan Nezam^{1*}, Vida Taghvaei²

1 Ph.D. Candidate in Architecture, Architecture Department, Art and Architecture Faculty, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2 Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Shariaty, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

(Received 30 Aug 2019, Accepted 20 Jan 2020)

“Globalization” not in a geographical sense but in a political and ideological sense, is a plan formulated by the rich and powerful countries of the world, and it means the continuation of economic, political and military dominance over other countries in the world. One form of domination in the present age is by way of cultural aggression, through which it seeks to undermine the cultural and religious foundations of the Muslim people, and especially the Islamic way of life. In the field of architecture and housing, today, compared to the past, forms and living spaces, with a tendency to be similar to imported patterns and alien to their foreign identities, have also alienated the society and have completely changed it. In the words of the Supreme Leader: “One of the dimensions of progress with the ‘Islamic concept’ is lifestyle, social behavior and way of life.” Therefore, the conceptualization of the mission of “Islamic lifestyle” as a container and component shaping “Iranian-Islamic housing” should be considered. In today’s social life, the concept of “lifestyle” has a special meaning. As the influence of tradition is reduced, and daily life is reconstructed in terms of the interaction of local and global factors more and more people are forced to choose their lifestyle from a variety of options. “Islamic lifestyle” is a way of life that is based on Islamic and Quranic teachings and values. The Qur’an, which is the plan of human life, has shown the best way of life to man, which ultimately leads him to the happiness of this world and the hereafter. “Islamicness of etiquette” and “monotheism of being a way of life” mean that “lifestyle” is the bedrock of “divine worship” in human life. In Islamic lifestyle, “faith” and “righteous deeds” have a special place and in various verses of the

Qur’an and narrations from the Infallibles (AS) as a way to achieve “good life” is introduced as the highest position of this type of lifestyle. In the present study, the purpose of using the word “Islamic” is anything that belongs to and is committed to the principles, ideals, values and norms of Islam and in a broader sense, invented or expressed by Muslims, and the meaning of the word “Iranian-Islamic” is anyone who is in the common denominator of being Iranian and being Islamic and does not have principles and identities that do not oppose either of these two can be called “Iranian-Islamic.” In other words, anything that is based on the beliefs, ideals, values and norms of the Islamic Republic of Iran or the discourse of the Islamic Revolution is called “Islamic Iran.” The present study is of qualitative type and in two parts: the first part, the necessary information in the field of relationship between “globalization” and “Islamic lifestyle” is presented and in the next stage, the relationship between “lifestyle” and “housing” in historical periods is analyzed. In the second part, using the descriptive-analytical method, the key words of the research have been researched and explored, and using the components and effects that are related in this regard, the “basic principles and criteria of Iranian-Islamic housing” were explained. The results show that the current “Islamic spirit” in the Iranian Muslim living space can be seen in the manifestation of the truth, the concept of “good life” as the highest degree of Islamic lifestyle, in the “Iranian courtyard” as its beating heart.

Keywords: Globalization, Islamic Lifestyle, Pure Life, Iranian Islamic Housing.

*Corresponding author. E-mail: st_e_khasmafkan@azad.ac.ir



مفهوم‌سازی و حقیقت‌یابی رسالت «سبک زندگی اسلامی» در تبیین معیارهای بنیادین «مسکن ایرانی اسلامی» در «عصر جهانی شدن»

عرفان خصم‌افکن نظام^{۱*}، ویدا تقوایی^۲

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده دکتر شریعتی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۶/۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰)

چکیده

«جهانی شدن»، نه به مفهوم جغرافیایی بلکه به مفهوم سیاسی و ایدئولوژیک طراحی است که توسط کشورهای ثروتمند و قدرتمند دنیا، تدوین شده و منظور از آن، ادامه سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای عالم است. یکی از اشکال نفوذ سلطه در عصر حاضر، از طریق تهاجم فرهنگی است که به واسطه آن، برای تضعیف بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی مردم مسلمان به‌ویژه کم‌رنگ کردن سبک زندگی اسلامی تلاش می‌کند. در حوزه معماری و مسکن نیز، امروزه نسبت به گذشته، فرم‌ها و فضاهای زیستی، با گرایش به هم‌شکلی با الگوهای وارداتی و بیگانه با هویت خویش، جامعه را نیز به از خود بیگانگی دچار کرده‌اند و کاملاً دگرگون شده‌اند. به تعبیر مقام معظم رهبری: «یکی از ابعاد پیشرفت با «مفهوم اسلامی»، سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن است»؛ از این رو، مفهوم‌سازی رسالت «سبک زندگی اسلامی» به‌عنوان ظرف و مقوم شکل‌دهنده به «مسکن ایرانی اسلامی» باید مورد توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر از نوع کیفی و در قالب دو بخش ارائه شد: در بخش اول، اطلاعات لازم در حوزه ارتباط «جهانی شدن» و «سبک زندگی اسلامی» و در مرحله بعد، بررسی ارتباط «سبک زندگی» با «مسکن» در ادوار تاریخی مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش دوم، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی واژگان کلیدی پژوهش، مورد تحقیق و کندوکاو قرار گرفتند و با استفاده از مؤلفه‌ها و آثاری که در این ارتباط هست، به تبیین «اصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی اسلامی» پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد «روح اسلامی» جاری در فضای سکونت ایرانی مسلمان، در تجلی حقیقت مفهوم «حیات طیبه» به‌عنوان عالی‌ترین درجه سبک زندگی اسلامی، در «حیات خانه ایرانی»، به‌عنوان قلب تپنده آن معنی می‌شود.

واژگان کلیدی

عصر جهانی شدن، سبک زندگی اسلامی، حیات طیبه، مسکن ایرانی اسلامی.

* نویسنده مسئول مکاتبات: st_e_khasmafkan@azad.ac.ir

مقدمه

مرئوس، با پلیس، با مأمور دولت، ... رفتار ما با بیگانه در انقلاب»، در این زمینه، ما مثل بخش اول پیشرفت نکردیم. می‌توان این بخش را به‌منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد و بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد. باید بتوانیم متن زندگی یعنی بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. اگر ما در این بخشی که «متن زندگی» است، پیشرفت نکنیم؛ همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند، نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد مانند دنیای غرب، در آنجا باوجود اینکه ثروت، بمب اتم، پیشرفت‌های گوناگون علمی و قدرت نظامی هست دچار افسردگی، ناامیدی، از درون به هم ریختن، عدم امنیت انسان‌ها در اجتماع و در خانواده، بی‌هدفی و پوچی هستند. آسیب‌شناسی و علت‌یابی درزمینه عدم پیشرفت لازم در بخش «سبک و فرهنگ زندگی» ضروری است؛ در این زمینه باید همه به خود نهیب بزنیم و ضمن تلاش جدی برای آسیب‌شناسی، به چاره‌جویی و جستجوی راه‌های علاج بپردازیم (Khamenei 2012)». مفهوم‌پردازی «سبک زندگی اسلامی ایرانی» بیانگر عملیات تحلیل محتوای کیفی است که طی آن، مبانی نظری که جمع‌آوری شده، تجزیه و تحلیل می‌شود و مفاهیم، جداگانه، تفکیک و پردازش می‌شوند. «تکنیک و رویه کلی در مفهوم‌پردازی، سؤال کردن است و از طریق فرآیند مفهوم‌پردازی و تحلیل مفهومی است که «مقوله‌ها (تعدادی از مفاهیم هم‌سنخ)» ساخته و نام‌گذاری می‌شوند و ویژگی‌های خاصی به آن‌ها منتسب می‌شود (Kafi 2015)». از این رو، در پژوهش حاضر، هدف از به‌کارگیری واژه «اسلامی»، هر آنچه متعلق و متعهد به مبانی، آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اسلام است و در معنایی گسترده‌تر، به‌وسیله مسلمانان ابداع یا بیان‌شده است، محسوب می‌شود و منظور از واژه «ایرانی اسلامی»، هر آنچه در دایره اشتراک ایرانی بودن و اسلامی بودن، قرار گیرد و مبانی و هویتی معارض با هیچ‌یک از این دو نداشته باشد، می‌تواند «ایرانی

بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبری، وظیفه تعیین سیاست‌گذاری‌های کلی نظام را بر عهده دارد. بیانیه گام دوم انقلاب، در واقع طرحی کلان برای راهبردها و سیاست‌های پیشروی جمهوری اسلامی برای آینده انقلاب است (Naderi and Perani 2020). بر اساس توصیه‌های اساسی رهبری فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، هفت محور اصلی دارد که یکی از این محورها «جهاد هوشمندانه و همه‌جانبه برای تحقق سبک زندگی اسلامی» است که حکایت از اهمیت حوزه «سبک زندگی» در اسناد بالادستی کشور دارد. به عبارت دیگر، یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی، سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن است (Khamenei 2011). از سوی دیگر، اسناد بالادستی و دیدگاه‌های رهبران و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که آن‌ها به صورت صریح و ضمنی، تمدن‌سازی و ایجاد «تمدن نوین اسلامی» را به عنوان هدف انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده‌اند (Ghasemi 2018). «تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است که عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم و شامل: «علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ» است؛ این بخش، ابزاری است که کشور ما در این بخش پیشرفت خوبی داشته است و بخش دیگر، بخش حقیقی است که شامل چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان «سبک زندگی» است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل: «مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار؛ رفتار ما در محل کار، دانشگاه، مدرسه، فعالیت سیاسی در ورزش، و رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ما است، رفتار با پدر و مادر، با همسر، با فرزند، با رئیس، با

اسلامی» نامیده شود. به عبارت دیگر، هر آنچه که مبتنی بر باورها، آرمان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای نظام جمهوری اسلامی ایران یا گفتمان انقلاب اسلامی باشد، «ایرانی اسلامی» می‌نامیم (Haghighi et al. 2017, 134). در این راستا، اساس پژوهش حاضر را می‌توان در قالب دو بخش بیان کرد: در «بخش اول»، شیوه مورد استفاده در پژوهش، «تحلیل محتوا کیفی» است و ابزار مورد استفاده، کلیه اسناد یا آثار مربوط به موضوع، شامل: «نوشتاری (کتاب‌ها، مقالات، ... و غیر نوشتاری (سایت‌ها، نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای و ...)

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. ضرورت‌های پژوهش در حوزه «سبک زندگی

اسلامی» در «عصر جهانی شدن»

«جهانی شدن» یا «جهانی سازی» یا همان «غربی سازی جهان» پروژه یا فرآیند مدیریت شده‌ای است که غرب با رهبری آمریکا در حال پیگیری آن است. غرب، نه به مفهوم جغرافیایی، بلکه به مفهوم سیاسی و ایدئولوژیک، دنیا را به دو بخش برتر و بربر تقسیم می‌کند. این توسعه طلبی استعماری، هژمونی (رهبری) لیبرال سرمایه داری در غرب، برای تسلط بر کل جهان است. جهانی سازی به این مفهوم، سلطه غرب بر جهان و به ویژه جهان اسلام، در هر سه حوزه اقتصاد، سیاست، و فرهنگ است (Rahimpourazqadi 2008). بر اساس نظر هگل، جهان بر اساس نیازهای تمدن جدید، سامان می‌یابد، نه بر اساس تمدن اسلامی، رومی، یونانی، و چینی. نیازهای این تمدن برتر یعنی مدرنیته، تعیین کننده مسیر تاریخ و هدایت کننده آن است. نظریه هگل درباره مدرنیته، به بهترین شکل، موقعیت غرب در تمدن جدید و جهانی شدن، که مبنای آن سلطه است را نشان می‌دهد (Eltiaminia and Hosseini, 2014). در جدول شماره ۱، آثار جبران‌ناپذیر و منفی جهانی سازی، بررسی خواهد شد.

در حوزه معماری و مسکن نیز، امروزه نسبت به گذشته، فرم‌ها و فضاهای زیستی، کاملاً دگرگون شده‌اند؛ گذشته از دگرگونی‌های ناگزیر و با گرایش به هم‌شکلی با الگوهای وارداتی و بیگانه با هویت خویش، جامعه را نیز به

است که در ابتدا اطلاعات لازم از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و مقالات علمی در حوزه ارتباط «جهانی شدن» و «سبک زندگی اسلامی» و در مرحله بعد، بررسی ارتباط «سبک زندگی» با «مسکن» در ادوار تاریخی مورد تحلیل قرار گرفت. پس از آن، در «بخش دوم» با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، واژگان کلیدی پژوهش، مورد تحقیق و کندوکاو قرار گرفتند و با استفاده از مؤلفه‌ها و آثاری که در این ارتباط هست، به تبیین «اصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی اسلامی» پرداخته شد.

از خودبیگانگی دچار کرده‌اند. علاوه بر دگرگونی‌های هویتی و فرهنگی ناشی از تکرار الگوها و فضاهای بیگانه، حتی نام‌ها و فضاهایی از قبیل آپارتمان، ویلا، سوئیت، پنت‌هاوس، هال، پتتری و امثال این‌ها که به همراه مدرگرایی‌های و اضمحلال فضاهای بومی رشد کرده‌اند، نوع خاصی از رفتار و فرهنگ را طلب می‌کنند. بی‌گمان، سامان یافتن مسکن با تغییرات شیوه زیست دگرگون می‌شود؛ اما بسیاری از موضوعات در سامان دادن «مسکن» به عبارت بهتر در شکل‌گیری سرپناه‌های آدمیان دوران معاصر دخالت دارند (Naghizadeh 2013) که برخی از آن‌ها در جدول شماره ۲، بیان می‌شوند.

۱-۲. پیشینه ارتباط «مسکن» و «سبک زندگی» در

دوره‌های تاریخی

انسان‌ها در طول تاریخ و در دوره‌های گوناگون، همواره سبک‌های زندگی مخصوص به خود را داشته‌اند. جوامع انسانی در رویارویی با پدیده‌ها، مسائل و رویدادهای فردی و اجتماعی و رای خود، شیوه و سبک زندگی یکسانی نداشته‌اند و در دوره‌های مختلف (از دوره سنتی تا دوره مدرن و پسامدرن)، روش‌های گوناگونی را در زیست فردی و جمعی خود دنبال کرده‌اند. در جوامع سنتی، مردم فرصت‌گزینش روش‌های بدیل زندگی را داشته‌اند، باین وجود، برای بسیاری از مردم، بدیل‌ها زیاد نبودند و تفاوت چندانی هم در این بدیل‌ها وجود نداشت. آنان تغییرات بنیادینی در روش‌های

جدول ۱: ضرورت پرداختن به حوزه «سبک زندگی» با توجه به آثار جبران‌ناپذیر جهانی شدن بر جهان اسلام (اقتباس از Etiaminia and Hosseini, 2014)
 Table 1: The Need to Address The Field of "Islamic Lifestyle" in View of the Irreparable Effects of Globalization on the Islamic World (Etiaminia and Hosseini, 2014)

آثار	تعریف
تضعیف فرهنگ‌های محلی و ترویج عرفی‌گری	از این زاویه، فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای در مقابل امکانات وسیع فرهنگ غربی امکان خودنمایی ندارند و سرعت تحولات، فرصت تأمل و اندیشیدن را از این فرهنگ‌ها گرفته است. ورود بی‌رویه فرهنگ و ارزش‌های غربی در جوامع توسعه‌نیافته، به تشدید دوگانگی ارزشی و تشدید از خودبیگانگی و اختلال‌های هویتی می‌انجامد. تحت تأثیر جهانی‌شدن و گسترش شرایط و تحولات آن در جهان اسلامی، شاهد کاهش تدریجی موقعیت فرانهادی دین و عصری شدن یا دریافت دنیوی از دین هستیم. در خصوص مقوله جهانی‌شدن، مسئله نگران‌کننده، رشد تک فرهنگی است. فرهنگی که از سوی رسانه‌های جهانی غرب و شبکه‌های روابط عمومی آن‌ها تبلیغ می‌شود، فرهنگی است که به مردم دیکته می‌کند چه بپوشند، چه بخورند، چگونه زندگی کنند و چگونه فکر کنند. بدون شک، مهم‌ترین تکیه‌گاه مسلمانان در رویارویی استراتژیک با قدرت‌های سلطه‌گر و تهاجم فرهنگی، منابع فرهنگی ایشان است اما با توفیق دشمنان اسلام در استحاله فرهنگی جوامع اسلامی، به‌راحتی این منبع و تکیه‌گاه استراتژیک از دست ایشان خارج می‌شود و زمینه برای تحکیم سلطه بیگانگان بیش‌ازپیش مهیا می‌شود.
تضعیف حاکمیت و استقلال کشورهای اسلامی	«ملت‌ی که فرهنگ بیگانه در آن رواج داشته باشد، نمی‌تواند ادعای استقلال کند (Khamenei 1989, 1-2)». تأثیرات جهانی‌شدن بر استقلال و حاکمیت کشورهای اسلامی عبارت هستند از: ۱) «وابسته شدن به غرب»: در جوامع اسلامی تحت استعمار، نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جدید بر اساس تجربه غرب خلق شد که با نهادهای سنتی در تضاد بودند. ۲) «قطب‌بندی آموزشی»: بر اساس نفوذ استعمار، دو نوع آموزش در جوامع اسلامی ایجاد شد. یک نوع آموزش ملهم از غرب در برابر آموزش سنتی و مذهبی به وجود آمد؛ جامعه به دو گروه نخبگان مدرن تحصیل‌کرده جدید و رهبری سنتی قدیم تقسیم شد. ۳) «بحران رهبری»: به علت نفوذ استعمار، رهبری سنتی به نحوی نظام‌مند ضعیف شد و از بین رفت و نوعی رهبری سیاسی خارجی به جامعه اسلامی تحمیل شد. این رهبری، طرفدار غرب و از مردم خود، بیگانه بود.
تأثیر بر هویت و فرهنگ جوامع اسلامی	امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که با اعمال گروهی از مردم موافقت می‌کند، صرفاً یک دنباله‌رو و مقلد نابینا است؛ زیرا او دو گناه مرتکب می‌شود: اول این‌که کار اشتباه انجام می‌دهد و دوم این‌که با آن کار موافق است». هویت یک جامعه اسلامی منوط به دو اصل زیر است: اول، تبعیت از آرمان‌های اسلامی بیان‌شده در قرآن کریم و سنت؛ دوم، اطاعت و تبعیت از امامت و ولایت، امامت و رهبری در اسلام، حد کمال و تجلی واقعی هویت اسلامی است. برتری فرهنگی غرب از طریق فرایند رضایت و اقناع و فریب سعی کرده است با کنترل پلیسی بر کل دنیا و اعمال نظم نوین جهانی، ارزش‌های سیاسی، اخلاقی و فرهنگی خود را بر جهان تحمیل کند. تهاجم فرهنگی یکی از شیوه‌هایی است که دشمن از طریق آن برای تضعیف بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی مردم مسلمان تلاش می‌کند. عاملان تهاجم فرهنگی، در پی آن هستند که با استفاده از سازوکارها و روش‌های فرهنگی، بر ارزش‌های بنیادی جامعه (خدمات‌سختی، دشمن‌ستیزی، عدالت‌خواهی، خودباوری، ظلم‌ستیزی و...)؛ نگرش‌های پایه‌ای مردم به حکومت و روابط اجتماعی، ترجیحات اساسی مردم (ترجیحات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) و آداب‌ورسوم، منش و رفتار اجتماعی آن‌ها تأثیر بگذارند و آن‌ها را تغییر دهند.
تهاجم رسانه‌ای	هدف رسانه، تغییر رفتار است. با ورود روزنامه‌ها، مردم ایران سبک زندگی دیگری را انتخاب کردند؛ انقلاب‌ها، تحولات سیاسی، انقلاب اسلامی، ادب‌ها و شخصیت‌هایی که به وجود آمدند، معلول رسانه‌ها بودند. در هجوم جدید ماهواره به جامعه ایرانی، ابتدا از طریق ترانه و آواز اقداماتی انجام شد و سپس از طریق ساخت سریال‌های قوی سعی کردند حجاب و حیا را بردارند. آن‌ها به نحوی مستمر کار می‌کنند و اولین حاصل کار آن‌ها این بود که «کتاب» را از زندگی مردم حذف کردند. سپس نشست‌های خانوادگی که در آن تبادل اطلاعات انجام می‌شد، در زندگی مردم کمرنگ شد و رسانه‌های تک‌بعدی جایگزین آن‌ها شدند. هائیتینگتون جنگ تمدن‌ها را مطرح کرد و گفت آمریکا نمی‌تواند در جهان، قدرت برتر باشد مگر این‌که فرهنگ خود را به کشورهای جهان گسترش بدهد. در میان کشورهای جهان، یک دسته فرهنگ آمریکایی را می‌پذیرند (مانند کشورهای تونس، مصر و یمن که اصالت فرهنگی‌شان از بین رفت) و دسته‌ای دیگر نیز، در برابر آن مقاومت می‌کنند. با این مقاومت، جنگ و تهاجم رسانه‌ای شروع می‌شود.
رفتارهای اجتماعی و جنسی	بر اساس یافته‌های بسیاری از پژوهش‌ها، کسانی که سبک زندگی سالم را انتخاب می‌کنند، رفتارهای پرخطر کمتری دارند و پنجاه درصد مرگ‌های نابهنگام در کشورهای غربی ناشی از سبک زندگی ناسالم است. فعالیت‌هایی مانند مصرف الکل، سیگار، نسیستن کمر بند ایمنی، رفتارهای پرخطر و نامشروع جنسی، سبب تزلزل جامعه و خانواده شده است؛ درحالی‌که نیکوکاری، قناعت، صرفه‌جویی، ایمان و انجام مناسک مذهبی و امثال آن می‌توانند موقعیت و سعادت فرد یا جامعه را تقویت کند.

زندگی نسل‌های پیش از خود ایجاد نکردند. تغییرات، شتاب گرفت. مدرنیته با امکانات خود و از طریق ایجاد تنوع، فرد را با انتخاب‌های گوناگون و پیچیده روبه‌رو می‌سازد. به اعتقاد گیدنز، ویژگی مدرنیته «پویایی»، «تأثیر جهان‌گستر» و «تغییر دائمی رؤسوم سنتی» است. مدرنیته سبب می‌شود که افراد هرچه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سنت در

زندگی نسل‌های پیش از خود ایجاد نکردند. بیشتر مردم در محیطی که در آن پرورش یافته بودند، باقی می‌مانند و جوانان نیز چندان از روش‌ها و سبک زندگی والدین خود فاصله نمی‌گرفتند. در «مدرنیته»، این فرایند رو به تغییر نهاد و در دوره «پسامدرن» آهنگ این

جدول ۲: عوامل شکل‌دهنده به وضعیت نامطلوب مسکن معاصر (اقتباس از Naghizadeh 2013)

Table 2: Factors shaping the Unfavorable Situation of Contemporary Housing (Naghizadeh 2013)

عوامل	تعریف
استقلال گرایی افراد و زوج‌ها	اینک به تبع جوانان غربی تا جوانان به سن بلوغ و دانشگاه و حداکثر به سن ازدواج می‌رسند، خواهان و مدعی استقلال هستند که در خانه پدری جایی نیست و اگر هم باشد، امکان مفاهمه با نسل گذشته نیست و بسیاری مسائل دیگر که هیچ‌کدام مسائل جامعه ایرانی نبوده و به‌زور تبلیغ و تلقین به‌عنوان مسئله و مشکل به جامعه القا شده‌اند.
سوداگری	مدت‌های مدیدی است که موضوعی به نام «زمین‌بازی» یا «بورس‌بازی زمین» یا «نگرش به زمین به‌عنوان چیزی که می‌تواند زمینه سرمایه‌گذاری و احتکار و افزایش درآمد باشد»، ذهن کثیری از مردمان را به خویش مشغول کرده است. در این فضای سوداگرانه که به چیزی جز افزایش سرمایه نمی‌اندیشد، سعی عمومی بر منطقی‌سازی موضوع و ترویج این نوع نگرش بوده است.
دگرگونی‌های رفتاری و فرهنگی	امروزه به دلایل عدیده‌ای از جمله آن‌ها: توسعه فناوری، تقلید شیوه‌های کار و فعالیت، شیدایی نسبت به زندگی جوامع دیگر، رواج مدها و تغییرات شیوه زیست، زمینه‌ساز شیوه زیست، خانه (مسکن)، به‌عنوان مکان آرامش و سکینه و محل قرار و نزول را به‌صورت محل ملاقات احتمالی اعضای خانواده درآورده است.
شیوه معیشت	بسیاری از موضوعات مربوط به شیوه معیشت و فعالیت از جمله ساعات کار، فاصله و رابطه مکان کار و مسکن، ویژگی‌های زیست‌محیطی مکان‌های اشتغال و فعالیت و لزوم شاغل بودن همه اعضای خانواده برای گذران زندگی بر ویژگی‌های مسکن مطلوب تأثیر خواهد داشت.
وسایل زندگی	تغییرات وسایل زندگی که حاصل توسعه فناوری، تحولات اقتصادی، تغییرات شیوه زیست و تبعیت از مدهای جهانی هستند، از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فضاهای داخلی مسکن و تناسب آن‌ها هستند.
مدها و تبلیغات	تغییرات سریع مدها و تبلیغاتی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم شیوه خاصی از زندگی را در مقابل مردم به نمایش می‌گذارند، طبیعتاً هرکدام، فضاهای خاص خود را طلب می‌کنند. امروزه شرکت‌های چندملیتی هستند که درباره بسیاری از موضوعات زندگی مردمان و به ویژه، جهان سوم تصمیم می‌گیرند. آن‌ها به مردم این باور را القا می‌کنند که مهم نیست «کجا» زندگی می‌کنند، مهم این است که محصولات آن‌ها را مصرف کنند. با القا به این موضوع، به‌مرور قیدهایی همچون «چگونه»، «با چه کسی»، «چطور» و امثال این‌ها را به‌جای «کجا» قرار می‌دهند. همین روند به‌مرور، ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی جوامع را دگرگون خواهد کرد.
تربیت	نظام تربیتی و رفتاری (همچون گذشته اما با سرعت، تغییرات و تنوع متفاوت)، خانه‌ها و سازمان فضایی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

رهاشدگی به لحاظ فرهنگی، پدیده‌ای دولبه است؛ از جنبه مثبت به معنای آزادی فوق‌العاده است و فرصت، برای تجربه و تکامل آن‌قدر زیاد شده که تصور آن برای نسل‌های پیشین غیرممکن بود. از جنبه منفی، رهاشدگی فرهنگی به این معنا است که به فرد، فرصت تصمیم‌گیری شخصی داده می‌شود و این چیزی است که نسل‌های پیشین مجبور به انجام آن نبودند (Ellini 2014). از ویژگی‌های زندگی اجتماعی معاصر، ظهور سبک‌های گونه‌گون زندگی است که با انتخاب‌ها و اعمال فرهنگی نسبتاً ساخت‌یافته از شرایط مادی و محیطی، شغل، درآمد و زمینه‌های اجتماعی در ساخت آن مداخله دارند (Razavizadeh 2007). برای درک بهتر از رابطه «سبک زندگی» و «مسکن»، با استفاده از مؤلفه‌های مرتبط در این دو حوزه، ویژگی‌های مسکن در ادوار مختلف را در قالب جدول شماره ۳، بررسی می‌کنیم.

اختیار آنان قرار می‌داد، رها شوند. بدین ترتیب، فرد را در روی تنوع پیچیده‌ای از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد. در دوره «پسامدرنیسم»، «صنعتی شدن، رشد اقتصادی و تمکن مالی» فراهم آمده برای فرد و فردیت افراطی هنجار گریز، امکان انتخاب الگوی مصرف آزادانه‌تری را فراهم ساخته است. در این دوران، کنشگری فعال و عامل در فرایند تغییر، متکثر و مرکززدایی شده، بروز می‌کند. «شدن دائم» مشخصه انسان مندرج در نظریه‌های پست‌مدرنیستی است (Razavizadeh 2007). در زندگی اجتماعی امروزی، مفهوم شیوه زندگی معنای ویژه‌ای یافته است. هرچه نفوذ و کشش سنت کمتر می‌شود و هرچه زندگی روزمره، بیشتر برحسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد ناچار می‌شوند که شیوه زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند (Giddens 2002). این

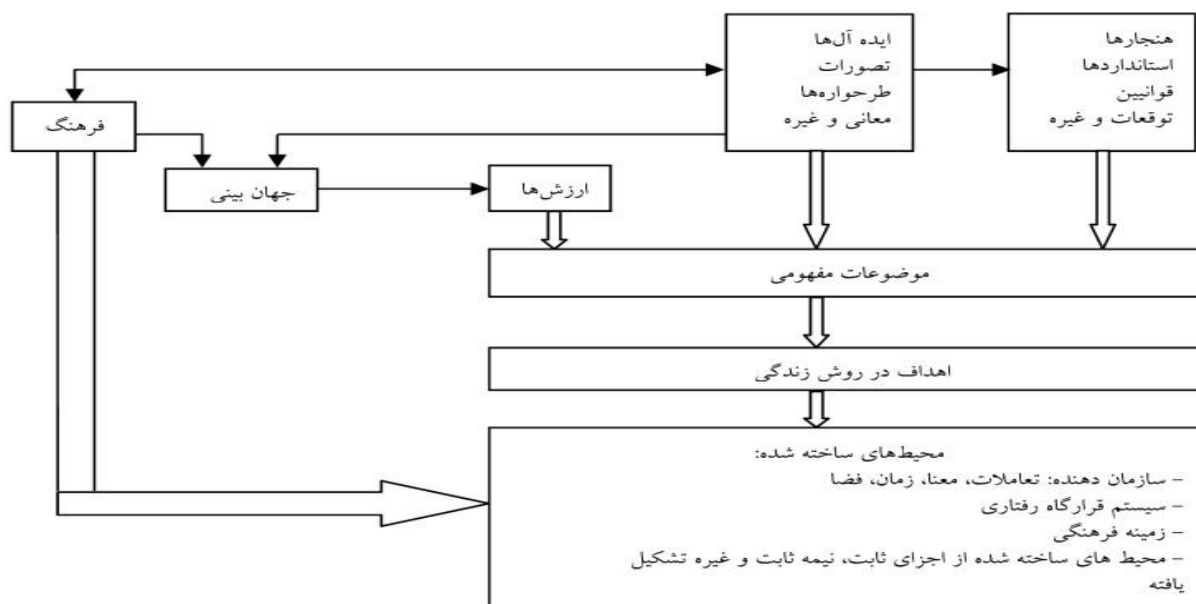
جدول ۳: ویژگی‌های «مسکن» در ادوار مختلف (Pourdeihimi 2012)
Table 3: Properties of "Housing" in Different Periods (Pourdeihimi 2012)

دوره مؤلفه‌ها / دوره‌ها	دوره سنتی	دوره صنعتی - سنتی	دوره صنعتی مدرن	دوره پس از مدرن
گونه مسکونی	خانه تک‌واحدی جمعی	خانه تک‌واحدی مستقل	مسکن اشتراکی	مسکن اشتراکی
شیوه زندگی خانواده	خانواده گسترده	خانواده هسته‌ای	خانواده هسته‌ای	خانواده هسته‌ای
شبکه تعاملات	- خویشاوندی - قومی و طایفه‌ای	خویشاوندی	جامعه	مجازی
رسالت مسکن	- مکانی برای زندگی خانواده خویشاوندان - مکانی برای کار	- زندگی خانوادگی - کار نیمه‌صنعتی در واحد مسکونی	- جدایی مسکن از کار در درون واحد مسکونی	- زندگی خانوادگی - کار با ابزار الکترونیکی - تولید اطلاعات
اجزاء سازنده	- فضاهای چندمنظوره - فضاهای باز به‌عنوان فضای زندگی	- فضاهای چندمنظوره - استفاده از فضای باز به‌عنوان فضای زندگی و کار - ظهور فضایی مستقل برای کار در درون	- فضاهای تک منظوره - تأمین نیازهای فردی - ادغام فضاهای باز خصوصی در فضاهای شهری	- فضای زندگی خانواده و کار با ابزار الکترونیکی
عوامل تصمیم‌گیری (هدف)	بقا	کار	تأمین نیازهای فیزیولوژیکی	- زندگی انفرادی - کار با ابزار الکترونیکی
تسهیلات بهداشتی و رفاهی	- سرویس و آشپزخانه جدا از فضای زندگی	- سرویس و آشپزخانه جدا از فضای زندگی	- سرویس و آشپزخانه در درون فضای زندگی	- سرویس و آشپزخانه در درون فضای زندگی
شیوه همسازی با محیط	- یگانگی محیط طبیعی با زندگی	- باور به تکنولوژی و صنعت - بی‌اعتنایی به طبیعت	- وابستگی به صنعت - بی‌اعتنایی به طبیعت	- بازگشت به طبیعت
الگوی فضایی				

۱-۳. پیشینه مطالعات انجام‌گرفته در حوزه مسکن و سبک زندگی

در زمینه پیشینه مطالعات انجام‌گرفته در حوزه «مسکن» و «سبک زندگی» می‌توان به پژوهش‌هایی که بیشترین ارتباط را با واژگان کلیدی تحقیق دارند، اشاره کرد: افشاری و همکاران (Afshari et al. 2016) در پژوهش «سازگاری محیط با روش زندگی»، روش زندگی انسان را به‌عنوان یک مؤلفه مهم فرهنگی می‌دانند که وجوه آشکار و پنهانی دارد و تحت تأثیر

«ارزش‌ها، معانی ذهنی انسان و قابلیت‌های محیط»، محیط ساخته‌شده را متأثر می‌سازد و به‌طور پیوسته تغییر می‌دهد. از دیدگاه آن‌ها، سازگاری انسان و محیط، مسئله‌ای خلاق محسوب می‌شود و رکن مهم آن انطباق پیوسته «قابلیت» و «معنی» است. زیرا تغییرات محیط ساخته‌شده، انعکاسی از ارزیابی و انطباق پیوسته «قابلیت-معنی» هستند. الهی زاده و سیروسی (Elahizadeh and Sirusi 2014) نیز در پژوهش دیگری با عنوان «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی



تصویر ۱: تجزیه «روش زندگی» و تأثیر آن در ماهیت محیط‌های ساخته‌شده (Pourdeihimi 2011)

Fig. 1: Analysis of Lifestyle and its Impact on the Nature of Hardened Environments (Pourdeihimi 2011)

۲. تعریف واژگان کلیدی پژوهش ۲-۱. جهانی‌شدن (Globalization)

واژه «Globalization» را به «جهانی‌شدن» و «جهانی‌سازی» ترجمه می‌کنند؛ با نگرشی سطحی ممکن است این دو اصطلاح مترادف به نظر آیند، اما این دو ترجمه به لحاظ بار معنایی و واقعیت کاربردی و ابزاری که منعکس می‌کنند باهم تفاوت زیادی دارند: الف) در ترجمه اول یعنی «جهانی‌شدن»، القای نوعی عدم اراده و اختیار، موردنظر است و می‌خواهد این پیام را به خواننده منتقل کند که جهانی‌شدن، واقعیتی است ملموس و ضرورتی است گریزناپذیر که هر جامعه اگر خواهان رفاه شهروندانش باشد، چاره‌ای ندارد جز این‌که خود را این جریان نیرومند، ضروری و مفید به حال کشورها و به حال جامعه بشری، سازگار کند و با طیب خاطر، به مقتضیات آن گردن نهد. ب) در ترجمه دوم یعنی «جهانی‌سازی»، سعی بر این است که به واقعیت دیگری اشاره شود و آن این‌که جهانی‌سازی طرحی است که توسط کشورهای ثروتمند و قدرتمند دنیا و در رأس آن‌ها آمریکا، تدوین شده و منظور از آن، ادامه سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای عالم است (Kavusi and Hosseinzadegan 2011). با رجوع به ادبیات معاصر، در جدول شماره ۴ به تحلیل واژه «جهانی‌شدن»، پرداخته شده است.

اسلامی» بیان کردند که برای تحقق این امر، فرهنگ‌سازان و علمای مذهبی نقش مهمی بر عهده‌دارند، آنان با نظارت جدی بر ساخت مسکن، از تولید انبوه خانه‌های بی‌هویت که تنها در جهت رفع نیازهای مادی است، باید جلوگیری کنند. پوردیهیمی (Pourdeihimi 2011) نیز در پژوهشی تحت عنوان «فرهنگ و مسکن» به نقش فرهنگ در سه مورد «روش زندگی، جنبه‌های ذهنی انسان و عادات و همسازی با محیط‌های مختلف» در فرایند شکل‌گیری مسکن اشاره می‌کند و «روش زندگی» را به بسیاری از جنبه‌های رفتاری وابسته می‌داند که در طراحی محیط‌های مختلف از طریق تأثیرات متقابل محیط و رفتار، روش استفاده از فضاها را تعیین می‌کند. درواقع، «روش زندگی» که منتج از رفتارها و سیستم‌های رفتاری است، «ارزش‌های فرهنگی» را در درون خود به همراه دارد.

در پژوهش حاضر، آثار و پیامدهای جهانی‌شدن بر سبک زندگی و درنهایت، اثرگذاری آن بر شکل مسکن موردبررسی قرار می‌گیرد و مفهوم‌سازی رسالت «سبک زندگی اسلامی» به‌عنوان ظرف و مقوم شکل‌دهنده به «مسکن ایرانی اسلامی» موردتوجه قرار می‌گیرد که تاکنون پژوهشی با این رویکرد و ابعاد، مورد کندوکاو قرار نگرفته است.

جدول ۴: تحلیل واژه «جهانی شدن» (اقتباس از: Harvy 1989; Rajaei 2001; Shahidi 2006; Shahidi 2007; Pourhassan Darzi 2009; Rastegar and Rezaei 2013)

Table 4: Analysis of the Word "Globalization" (Harvy 1989; Rajaei 2001; Shahidi 2006; Shahidi 2007; Pourhassan Darzi 2009; Rastegar and Rezaei 2013)

تعاریف		
<p>هاروی پیشینه جهانی شدن را به دوره رنسانس می‌کشاند اما معتقد است فرایند فشرده‌گی فضا و زمان در نیمه دوم سده نوزدهم و اوایل سده بیستم شتاب گرفت که مسئله تجدد و پدیداری گرایش و ارزش‌های عام، مهم‌ترین علت آن محسوب می‌شود. در بررسی تاریخیچه «جهانی شدن» می‌توان به دو عامل، به‌عنوان عوامل تقویت‌کننده و تشدیدکننده نظریه «جهانی شدن» اشاره کرد: (۱) رشد روزافزون فناوری‌های پیشرفته به‌خصوص فناوری‌های «ارتباطی - اطلاعاتی» به ویژه به وجود آمدن شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای؛ (۲) به وجود آمدن پیمان‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بین کشورها به‌منظور گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی کشورها و گشوده شدن مرزهای کشورها بر روی یکدیگر که منجر به تأسیس سازمان‌هایی چون: کمیسیون اروپا، پیمان شینگن، پارلمان اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی و ... شد.</p>		پیشینه «نظریه جهانی شدن»
<p>«جهانی شدن» معادل واژه لاتین «Globalization» از واژه «Global» به معنای «هر چیز عام، کلی و تمام (Total)» اشتقاق یافته و اسم مصدر «Glob» است که خود به معنی «گستری و فراگیری» است؛ «جهانی شدن» را باید به معنای «جهان‌گستری، جهان‌شمولی و عام» به کاربرد.</p>		واژه‌شناسی «Globalization»
<p>در این تعریف، رشد تبادل بین‌المللی و وابستگی بین کشورها را توصیف می‌کند و تعریفی جدید از روابط بین کشورها و جایگزینی اقتصاد بین‌المللی به جای اقتصاد ملی ارائه می‌دهد.</p>	<p>تعریف اول: «جهانی شدن» به معنای «بین‌المللی شدن»</p>	<p>پنج تعریف جامع از «Globalization» در ادبیات معاصر</p>
<p>میزان تعریف «جهانی شدن» در ارتباط با فرایند حذف موانع تجاری و کنترل سرمایه است که از طرف دولت بر تحرکات بین کشورها تحمیل می‌شود؛ در این معنی، هدف، ایجاد دنیای اقتصادی بدون مرز است.</p>	<p>تعریف دوم: «جهانی شدن» به معنای «آزادسازی»</p>	
<p>بر اساس این تعریف، جهانی شدن فرایند اشاعه کالاها و ایده‌ها و تجربیات به مردم سراسر دنیا است که می‌توان به اشاعه کامپیوتر، ماهواره و وسایل ارتباطی مانند تلفن همراه اشاره کرد.</p>	<p>تعریف سوم: «جهانی شدن» به معنای «همگانی شدن» و «یکی شدن»</p>	
<p>این تعریف، جهانی شدن را به معنای نیروی پویایی می‌بیند که در آن ساختارهای مدرنیته مانند کاپیتالیسم، صنعتی شدن و بروکراسی، بر دنیا چیره شده و فرهنگ‌های محلی را نابود می‌کند.</p>	<p>تعریف چهارم: «جهانی شدن» به معنای «غربی شدن» یا «مدرنیزه شدن»</p>	
<p>در این تعریف، جهانی شدن برهم زدن و برداشتن فضاها، محدوده‌ها و فاصله‌ها و مرزهای جغرافیایی است.</p>	<p>تعریف پنجم: «جهانی شدن» به معنای «قلمرو زدایی» یا «ادغام قلمروها در هم و تبدیل آن به قلمروی واحد»</p>	
<p>عقیده دارد که جهانی شدن باید در قلمروی «فرهنگ» مورد توجه قرار گیرد که به منطقه‌گرایی فرهنگی می‌انجامد؛ یعنی وابستگی فرهنگ، به محل، منطقه و سرزمین خاص را از میان بر می‌دارد.</p>		تاملینسون
<p>جهانی شدن را پدیده‌ای می‌داند که بیشتر مردم را در وضعیتی قرار می‌دهد که نهادها و فعالیت‌های آن‌ها، از طریق روابط اجتماعی، جهانی می‌شوند و این امر، جنبه‌های اصلی زندگی آن‌ها را سازمان‌دهی می‌کند. جهانی شدن با تجدد معنا می‌یابد. با مدرنیته، نظم سنتی فضا و زمان، از بین رفت و جدایی میان این دو، شتاب گرفت. او جهانی شدن را سبب تقویت مناسبات اجتماعی می‌داند که محل‌های جغرافیایی دور از هم را چنان به هم ربط می‌دهد که هر واقعه محلی تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، شکل می‌گیرد.</p>		گیدنز
<p>جهانی شدن، ترکیبی از تجارت آزاد کالا و خدماتی است که با تحرک آزاد سرمایه همراه باشد.</p>		هالاک
<p>جهانی شدن در واقع همکاری آگاهانه و یا الزامی ملت‌ها و فرهنگ‌ها جهت زیستن در یک جامعه واحد جهانی است.</p>		هابرماس
<p>جهانی شدن را نوعی ظهور جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، اقتصاد بهینه، جامعه و فرهنگ را در برمی‌گیرد.</p>		مانوئل کاستلز
<p>جهانی شدن را نیروی غالبی می‌داند که محیط‌های متعددی را که در آن زندگی می‌کنیم، به‌طور مثبت شکل می‌دهد و عقیده دارد که این نیروهای اقتصادی و هدایت تکنولوژی‌های ارتباطات دیجیتالی بین افراد یا سازمان‌هایی که در جهان حضور دارند،</p>		اسپرلینگ

بر این پدیده مؤثر است و اشکال جدید واکنش‌های محلی و ابراز هویت را به وجود می‌آورد.	
جهانی شدن متضمن دو عنصر «فشرده‌گی در زمان و مکان» و «کاستن از فاصله‌ها» است.	هاروی
شکلی ناپهتجار و بدوی از مدرنیته که به سراسر جهان فرافکنده شده است.	جان‌گری
جهانی شدن عبارت است از گسترش روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است. جهانی شدن، تشدید صرف پیوند متقابل جهانی است، پیوندها و روابط اجتماعی و ساختاری مانند افزایش عبور کالا و اطلاعات مردم و سرمایه‌ها، کوتاه شدن مبادله پیام‌ها از طریق پیام‌رسانی الکترونیکی.	مک‌گرو

۲-۲. سبک زندگی اسلامی (Islamic Lifestyle)

«سبک زندگی» که معادل عربی آن «نهج‌الحیاه» و معادل انگلیسی آن «Life Style» است به معنی «روش زندگی کردن» است و به عبارت دقیق‌تر، سبک زندگی، طیف وسیعی از مسائل از قبیل اعتقادات و افکار و فعالیت‌های انسان در ارتباط با خداوند و خویشتن و جامعه را در برمی‌گیرد (Kowsarinia 2013). «سبک زندگی اسلامی» یعنی نوعی شیوه زندگی که بر اساس آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی و قرآنی بنا شده باشد. قرآن که برنامه زندگی بشر است بهترین شیوه را برای زندگی به انسان نشان داده است که درنهایت او را به سعادت دنیا و آخرت رهنمون شود. قرآن کریم به صراحت تمام رسالت خود را ارائه برنامه برای هدایت انسان‌ها «أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِّلنَّاسِ (سوره بقره، آیه ۱۸۵)» و رسالت پیامبر (ص) را تلاوت قرآن، تعلیم کتاب و تزکیه انسان‌ها «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (سوره آل عمران، آیه ۱۶۴)» بیان می‌کند (Heydarpour et al. 2018). پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)، روش زندگی انسان را در قالب سخنان و اندرزهای اخلاقی و حکیمانه به ما ارائه کرده‌اند، همچنین صحیح‌ترین سبک زندگی را باید از سنت و سیره این بزرگواران که نمونه‌های واقعی انسان کامل هستند، فرا بگیریم و در زندگی به کار بریم (Kowsarinia 2013, 6). «اسلامی بودن آداب» و «توحیدی بودن شیوه زندگی» به این معنا است که «سبک زندگی»، بستر ساز «عبودیت الهی» در حیات انسانی باشد؛ به قول علامه طباطبایی «ادب الهی، انجام عمل بر هیئت توحید است». به این ترتیب، «آداب اسلامی» عمدتاً «آداب بندگی» است یعنی «جلوه‌های ظاهری عبودیت» و «تصویر توحید در ظواهر انسان». «آداب اسلامی»، سبک

زندگی و انضباط رفتاری‌ای است که تحت آرمان عالی عبودیت قرار دارد. کسی که عبودیت و بندگی را مقصد حیات خود می‌بیند، نمی‌تواند نسبت به چگونگی زندگی خود بی تفاوت باشد. بلکه همه شئون زندگی خود را از نماز و عبادت تا کسب و کار و تحصیل و تفریح و معاشرت و بهداشت و خوراک و معماری و هنر و سخن گفتن و تولید و مصرف و آراستگی ظاهری و... در مسیر بندگی قرار می‌دهد (Alemzadeh Nouri 2016). «مفاهیم اسلامی» ساختار و کارکردی نظام‌مند دارد و از نظر ساختاری، دارای «مرز» است و خود را از غیر خود متمایز می‌سازد. سیستم مفهومی درون‌شدهای اطلاعات و برون‌شدهای اطلاعات و انرژی دارد. «تولیدکننده» اولیه اطلاعات، «قرآن و عترت» است؛ «توزیع‌کننده‌های» آن عبارت هستند از: ارکان تعلیم و تربیت مثل محدثان و مبلغان اسلامی، کتاب‌های تفسیری و روایی و...؛ «تبدیل‌کننده‌های» آن عبارت هستند از: صاحب‌نظران علوم انسانی که آن مواد خام را تبدیل به مواد قابل جذب می‌کنند؛ مصرف‌کننده‌های آن عبارت هستند از: جوامع مسلمان و مسئولان اجرایی آن‌ها؛ «دفع‌کننده‌ها» در این سیستم مفهومی عبارت هستند از: متکلمان و محققان اسلامی؛ «موتور حرکت» عبارت است از: انگیزه‌های متعالی انسانی و پاداش‌های اخروی و عالمان دینی که مرتب یادآور آن انگیزه‌ها می‌شوند... هرکدام از آنچه ذکر شد، یکی از عناصر این سیستم محسوب می‌شوند. روح این سیستم، عبارت است از یک معرفت و تعبد بسیار متعالی که سبب قرب الی‌الله است و آن حلاً از معرفت و تعبد، در پناه تمام سیستم‌های فرعی اسلام حاصل می‌شود. این سیستم در مقام باور و عمل (آمدگی برای عمل) نیز، یک سیستم به هم پیوسته است (Kaviani 2012, 108-109). «نماز خواندن و شکیبایی کردن» (سوره بقره، آیه ۱۵۳)، اعتقاد به زنده بودن شهدا (سوره بقره،

زیاد اموال و اولاد (سوره کهف، آیه ۶۶)، نومیدی از رحمت خدا (سوره زمر، آیه ۵۳)، رشوه‌خواری و رباخواری (سوره بقره، آیات ۲۷۸-۲۷۹) و به‌طور کلی هر آنچه در آیات و روایات مورد منع و نهی قرار گرفته است (Heydarpour et al. 2018, 41).

اسلام و سبک زندگی اسلامی، به‌صورت همه‌یاهیچ نیست بلکه یک پیوستار بزرگ است که مراتب بسیار پایین و مراتب بسیار بالا دارد. آیات و روایات متعددی وجود دارند که در آن‌ها آمده است: «خداوند به ایمان آورده‌ها، دوباره امر به ایمان آوردن می‌کند (سوره نساء، آیه ۱۳۶)»، این نکته اشاره به مراتب ایمان دارد. از نظر قرآن، این حالت پیوستاری، در بُعد مقابل ایمان نیز وجود دارد (Heydarpour et al. 2018).

آیه ۱۵۴)، روزه گرفتن (سوره بقره، آیه ۱۸۳)، صلح و آشتی با یکدیگر (سوره بقره، آیه ۲۰۸)، حفظ شعائر دینی (سوره مائده، آیه ۲)، اعتقاد به مبدأ، معاد، شفاعت و پذیرش ولایت خدا (سوره نساء، آیه ۴۵)، وفای به عهد (سوره اسراء، آیه ۳۴)، استقامت در برابر مشکلات، هوس‌ها و مراقبت از مرزها (سوره آل عمران، آیه ۲۰۰)، به دنبال امور پاکیزه گشتن (سوره مائده، آیه ۱۰۰) و ... بخش‌های کوچکی از هنجارهای سیستم مفهومی اسلام است. بعضی از امور ناهنجار در این سیستم عبارت هستند از: دوست گرفتن از کافران (سوره نساء، آیه ۱۳۹)، تصرف باطل در اموال دیگران (سوره بقره، آیه ۱۸۸)، توجه بیش از نیاز به دنیا و مظاهر دنیوی و مسخره کردن اهل ایمان (سوره بقره، آیه ۲۱۲)، ترک نماز (سوره بقره، آیه ۲۳۸)، اسراف و تبذیر (سوره اسراء، آیه ۲۷)، توجه

جدول ۵: تحلیل «سبک زندگی اسلامی» به اجزای سازنده آن (اقتباس از Ebrahimipour and Rahimi 2017)

Table 5: Analysis of "Islamic Lifestyle" to its Components (Ebrahimipour and Rahimi 2017)

عوامل	تعریف
محورهای سبک زندگی اسلامی	اعتقادات اصول اعتقادی اسلام یعنی «ایمان و عقیده به توحید، نبوت و معاد». این سه اصل، شالوده دیانت اسلام را تشکیل می‌دهند.
	اخلاقیات یعنی مسلمان، ویژگی‌های درونی و روانی خود را به‌گونه‌ای بسازد که با کلیت این سیستم مفهومی، هماهنگ و منطبق باشد. شاید محکم‌ترین تعبیر قرآن در این زمینه همان «تقوا» باشد که می‌توان آن را «ترس آمیخته با احترام از خداوند» معنا کرد.
	وظایف عملی و عبادات از آنجایی که پیام اصلی اسلام، «توحید» است و یکی از مراحل آن، توحید در عبادات است؛ پس از قبولی و اقرار زبانی به اصول فوق، باید عمل به ارکان را مکمل موجود بودن شمرد. «عبادات یا وظایف عملی»، بخش مهمی از مجموعه اعمال و رفتارها را تشکیل می‌دهند که در فرهنگ اسلامی به‌عنوان فروع دین شناخته شده‌اند و در کنار اصول دین قرار دارند.
مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی	اجتماعی مؤلفه «اجتماعی» به وظایفی اشاره دارد که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده هسته‌ای خود انجام می‌دهد.
	عبادی مؤلفه «عبادی» به وظایفی اشاره دارد که رابطه بین فرد و خداوند را به‌عنوان عبد و مولا نشان می‌دهد و اعم است از عبادات مشخص، مثل: نماز، روزه، تلاوت قرآن، ذکرهای مستحبی، حج و ... و رفتارهایی که رسماً نام عبادت ندارند اما فرد به نیت اطاعت از خداوند آن‌ها را انجام می‌دهد.
	باورها مؤلفه «باورها» به مفاهیم هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، خدا شناختی و ... اشاره دارد به این که در فرد درونی شده و در لایه‌های زیرین عاطفی و شناختی او حضور دارند و به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارها دارند.
	اخلاق مؤلفه «اخلاق» به صفات و رفتارهای درونی شده‌ای از فرد گفته می‌شود که وظیفه رسمی و قانونی او شمرده نمی‌شود و با ترک یا انجام آن، کسی او را مؤاخذه یا تشویق نمی‌کند. در اینجا به بُعد فردی و اجتماعی اخلاق، نظر می‌شود.
	مالی مؤلفه «مالی» به رفتارهایی از فرد اشاره دارد که مستقیم یا غیرمستقیم، به امور اقتصادی و مادی زندگی مربوط می‌شود و اموری مثل شغل، املاک، کیفیت دخل و خرج و ... را شامل می‌شود.
	خانواده مؤلفه «خانواده» به رفتارها و روابط فرد از این حیث که عضوی از یک خانواده هسته‌ای است، اشاره دارد؛ یعنی زن، شوهر و فرزندان.
	سلامت مؤلفه «سلامت» به اموری نظر دارد که در سلامت جسمانی و روانی فرد ایفای نقش می‌کنند و تغذیه، بهداشت، فعالیت بدنی، تفریح، بازی، لذت‌های زندگی، سیاحت و زیارت، خواب و استراحت، دیدوبازدید، ظاهر زشت یا زیبای فرد و ... را شامل می‌شود.
	تفکر و علم مؤلفه «تفکر و علم» به وظایف شناختی فرد اشاره دارد؛ اعم از شناخت‌های موجود در فرد، تلاش برای افزایش شناخت‌های خود و جایگاهی که فرد برای علم و تفکر قائل است.
	دفاعی- امنیتی مؤلفه «دفاعی- امنیتی» به وظایفی اشاره دارد که به‌صورت فردی یا اجتماعی به امنیت افراد و جامعه مربوط می‌شود؛ مثل حفظ مرزها، انتظامات داخلی شهرها و روستاها، شناسایی و مجازات مجرمان در دعوای خصوصی افراد و ...

۲-۲-۱. مفهوم‌پردازی واژه «ایرانی بودن» در «سبک زندگی اسلامی ایرانی»

مراد از «ایرانی بودن» این است که سبک زندگی اسلامی با همه اهداف و اصول اسلامی خود باید «ایرانی» هم باشد، زیرا «ایران» ظرف این «سبک زندگی اسلامی» است و میان ظرف و مظهر باید تناسبی برقرار باشد. ایران کشوری است با تاریخ کهن و فرهنگ غنی و متنوع، با موقعیتی سیاسی-جغرافیایی حساس در جهان، جمعیتی جوان و با استعداد و مردمی نوع‌دوست، وطن‌دوست و فداکار، با اقوام و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون دارد که با گفتمانی انقلابی، پُر امید و بانشاط توانسته است در طول هشت سال دفاع مقدس از خاک و وطن خود دفاع و توطئه‌ها و تحریم‌های دشمنان را سرکوب کند. همه این ویژگی‌ها و بسیاری دیگر از اموری که به ایران تعلق دارد، همه و همه از اموری است که باید در سبک زندگی در کنار وصف «اسلامی بودن» که به همه ملل مسلمان تعلق دارد، مورد توجه قرار گیرد. «سبک زندگی اسلامی ایرانی» بر مبنای منابع اسلامی: قاعده، منطق و الگوی منظمی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای مختلفی متناسب با خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و بومی کشور است که فرد مسلمان ایرانی، آن را بر اساس آگاهی و دانایی کامل نسبت به جهان‌بینی «خدای‌محور» دین اسلام انتخاب می‌کند (Heydar Pour et al. 2018).

۲-۲-۲. حیات طیبه

«سبک زندگی اسلامی» که در آن، ایمان و عمل صالح جایگاه ویژه‌ای دارد و در آیات مختلف قرآن و روایات وارده از معصومین (ع) به آن توصیه شده است، همان راه دستیابی به «حیات طیبه‌ای» است که خداوند در قرآن، انسان‌ها را به آن وعده داده است (Kowsarinia 2013). قرآن کریم در آیه شریفه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْلَمُونَ» (سوره نحل، آیه ۷۹)؛ «نتیجه اعمال صالح توأم با ایمان را بیان کرده و آن را «حیات طیبه» دانسته است، بدین معنا که تنها عامل دستیابی به «حیات طیبه» را «ایمان» و «عمل صالح» زاینده از

آن می‌داند و هیچ قید و شرط دیگری را دخیل نمی‌داند (Heydarpour et al. 2018). در کتاب «تفسیر نمونه» جناب مکارم شیرازی، جوهری در مورد حیات طیبه نقل شده مثل: «روزی حلال، قناعت و رضا دادن به نصیب، رزق روزانه، عبادت توأم با روزی حلال و توفیق بر اطاعت فرمان خدا»؛ ولی به نظر ایشان حیات طیبه، مفهومی است که در دنیای ما و گسترده است که همه این‌ها و غیر این‌ها را در برمی‌گیرد، زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها و خیانت‌ها، عداوت‌ها و دشمنی‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هرگونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد، ولی با توجه به این‌که در دنبال آن سخن از «جزای الهی» به نحو احسن به میان آمده است، استفاده می‌شود که «حیات طیبه» مربوط به «دنیا» و «جزای احسن» مربوط به آخرت است (Makarem Shirazi 1995). (Quoted by Kowsarinia 2013).

مؤمن در پرتو ایمان و عمل صالح به حیاتی طیب دست می‌یابد که دستاوردهای آن حیات عبارت هستند از: (۱) نورانیتی علمی و عقلی پیدا می‌کند که به وسیله آن در صراط مستقیم الهی، رشد و تعالی می‌یابد. (۲) به زندگی پاکیزه‌ای دست می‌یابد که از همه آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، عداوت‌ها، دشمنی‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها، شقاوت‌ها، بیماری‌ها و فقرها، مبرا است. (۳) به مقام «رضا و خشنودی» از آنچه خداداده است نائل می‌شود؛ و این قرآن است که چنین زندگی را پیش روی مؤمنان گذاشته است و به معرفی آن می‌پردازد (Kowsarinia 2013).

۲-۳. مسکن ایرانی اسلامی

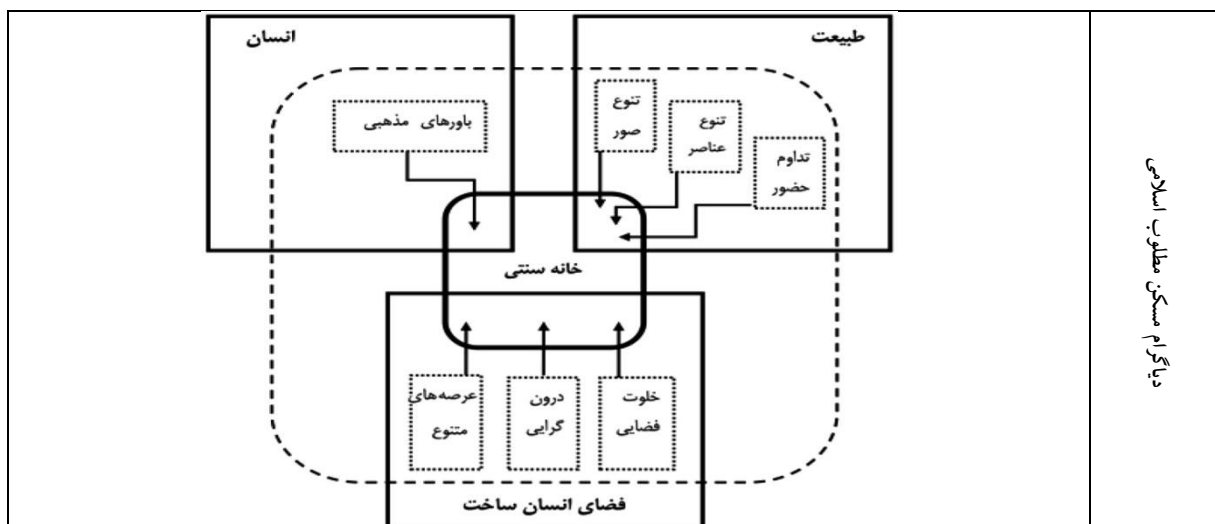
در زمینه طراحی معماری، نه قرآن و نه احادیث، به طور صریح، جزئیات کاملی در مورد طراحی و ساختار خانه ارائه نکرده‌اند و از آنجا که همواره سلاقی سنتی در طول زمان و مکان‌های مختلف متفاوت هستند، در نتیجه اسلام کلیه طرح‌ها را تا زمانی که با شریعت اسلام متضاد نباشند، می‌پذیرد. از طرفی دیگر با مطالعه و بررسی دقیق آیات قرآن و احادیث، می‌توان الگوها و اصولی را به‌عنوان طرح‌های

جدول ۶: مفهوم‌پردازی «حیات طیبه» و مؤلفه‌های سازنده آن (اقتباس از Ragheb 2005; Mohammadi Rey Shahri 2005; Tayyeb 1999; Tabatabaei 1995)

(Isfahani 2006; Bistuni 2012; Kowsarinia 2013)

Table 6: Conceptualization of "Pure Life" and Its Constituent Components (Tabatabaei 1995; Tayyeb 1999; Mohammadi Rey Shahri 2005; Ragheb Isfahani 2006; Bistuni 2012; Kowsarinia 2013)

تعریف	مؤلفه‌ها
<p>این کلمه در قرآن کریم وجوه و استعمالات گوناگونی دارد از جمله این معانی: (۱) «قوة نامیه» که در گیاهان و حیوانات موجود است: «أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ: بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند، به راستی آیات (خود) را برای شما روشن گرانیده‌ایم، باشد که ببیندشید (سوره حدید، آیه ۱۷)». (۲) «قوة حساسه یا حاسه» که حیوان به جهت دارا بودن این قوه، «حیوان» نامیده شده است: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ...: و زندگان و مردگان یکسان نیستند (سوره فاطر، آیه ۲۲)». (۳) «قوة عامله عاقله»: «أَوْمَنَ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَاهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...: آیا کسی که مرده (دل) بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود (سوره انعام، آیه ۱۲۲)». (۴) «برطرف شدن غم و اندوه»: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ...: هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹)». (۵) «حیات آخری و ابدی» که با عقل و علم می‌توان به آن رسید: «... اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...: چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید (سوره انفال، آیه ۲۴)». (۶) «حیات الهی» که به معنای علم و قدرت با لذات است و زوال‌وفنا در آن نیست: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْخَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفَىٰ بِهِ بَدُنُوبٍ عَبَادٍ خَبِيرًا: و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح‌گویی و همین بس که او به گناهان بندگان آگاه است (سوره فرقان، آیه ۵۸)»; حیات به اعتبار دنیا و آخرت دو گونه است: حیات دنیوی و حیات آخری؛ و حیات در آیه: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاتٌ... (سوره بقره، آیه ۱۷۹)» یعنی «حیات اجتماعی» و در آیه: «... وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا... (سوره مائده، آیه ۳۲)»، مقصود «نجات دادن از هلاکت و گمراهی» است.</p>	<p>حیات طیبه</p>
<p>کلمه «طَيِّب» در اصل به معنای چیزی است که حواس و نفس انسان از آن لذت ببرد و ضد آن، خبیث است. «طَيِّب» یعنی «طاهر، پاک، پاکیزه و حلال». در «التحقیق» آمده که: حیات ضد موت است و آن ادامه زندگی انسان بر آنچه حق او محسوب می‌شود، است و از آنجا که انسان دو جنبه دارد، از یک سو جهت جسمی و دیگری جهت روحی؛ پس باید هر دو لحاظ شود و هر دو طرف باهم تأمین شود؛ و حرکت بدن و قوای آن در مسیر معتدل و بدون انحراف و سلوک روح و سیر آن در مسیر روحانی و عقلی به سوی کمال و لقای پروردگارش، همان پاکی از هر آلودگی و ناپاکی است در ظاهر و باطن و مطلوب بودن نزد عقل و در راه خداوند، همان «حیات طیبه» است و فقط این زندگی با «ایمان» و «عمل صالح» محقق می‌شود.</p>	<p>حیات طیبه</p>
<p>شاخص‌ترین آیه‌ای در قرآن که از حیات طیبه بحث می‌کند آیه ۹۷ سوره نحل است که می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک، زنده می‌داریم و پاداش آن را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». مرحوم علامه طباطبائی، «حیات طیبه» را با توجه به آثاری که بر آن مترتب است و آن، این‌که خداوند آن را مختص به مردم باایمان و دارای «عمل صالح» دانسته است، حیاتی حقیقی می‌داند و می‌فرماید: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً»، «حیات» به معنای «جان‌انداختن در چیز» و افاضه حیات به آن است. پس، این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر این‌که خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیر از آن حیاتی که به دیگران داده، زنده می‌کند و مقصودش این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد، مثلاً «حیات خبیث» او را مبدل به «حیات طیبه» می‌کند که اصل حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد زیرا اگر مقصود این بود، کافی بود که بفرماید: «ما حیات او را طیب می‌کنیم» ولی این‌طور فرموده بلکه فرموده است: «اما او را به حیاتی طیب زنده می‌سازیم»؛ پس آیه شریفه نظیر آیه: «أَوْمَنَ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَاهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ... (سوره انعام، آیه ۱۲۲)» است که افاده می‌کند خدای تعالی حیاتی ابتدائی و جداگانه و جدید به او افاضه می‌فرماید. از باب تسمیه مجازی هم نیست که حیات قبلی او را به خاطر این که صفت طیب به خود گرفته مجازاً حیاتی تازه نامیده باشد، زیرا آیاتی که متعرض این حیات هستند آثاری حقیقی برای آن نشان می‌دهند، مانند آیه: «... أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ آيَدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنَهُ... (سوره مجادله، آیه ۲۲)» و همچنین در آیه ۱۲۲ سوره انعام، منظور از نور علمی است که آدمی به وسیله آن به سوی حق راه می‌یابد و به اعتقاد حق و عمل صالح نائل می‌شود.</p>	<p>حیات طیبه</p>
<p>«ایمان» از ماده امن در اصل به معنی «طمأنینه و آرامش نفس» است و در موارد مختلفی به کار می‌رود. ایمان با تحقق سه چیز حاصل می‌شود: «اذعان با قلب و اندیشه، اقرار به زبان و عمل با اعضاء»؛ مثل: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ... (سوره حدید، آیه ۱۹)». پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «ایمان»، شناخت با دل است و گفتن با زبان و عمل با ارکان بدن.</p>	<p>ایمان</p>
<p>خداوند در سوره انفال می‌فرماید: «مؤمنان، کسانی هستند که چون نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان شود و چون آیات خدا بر آن‌ها خوانده شود، ایمانشان افزون می‌شود و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. همان کسانی که نماز می‌گزارند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم، انفاق می‌کنند (سوره انفال، آیات ۲-۳)». پیامبر اکرم (ص) فرمودند: مؤمن حرکات و رفتار، ملایم و مهربان است و دیدارش، شیرین... از هر چیز عالی‌ترین آن را می‌جوید و از خوی‌ها، پراچ‌ترین را... کم‌خرج است و بسیار کمک و یاری می‌رساند... کارش را به خوبی انجام می‌دهد به طوری که گوئی آن را می‌بیند، چشمانش فروهشته است، دست بخشنده دارد و دست رد به سینه سائل نمی‌زند... سخنش را می‌سنجد و زبان در کام می‌کشد... باطل را حتی از دوستش نیز نمی‌پذیرد و حق را حتی از دشمنش انکار نمی‌کند، دانش نمی‌آموزد مگر برای دانستن و دانائی؛ فرانمی‌گیرد مگر برای عمل کردن... اگر با دنیاخواهان رفتار کند، زیرک‌ترین آن‌ها است و هرگاه با آخرت جویان سلوک کند، پارساترین آن‌ها است.</p>	<p>پیامبر اکرم</p>



۳. تبیین اصول و معیارهای بنیادین مسکن ایرانی اسلامی

محصورش از چهار جانب و یا باغ محصورش که در آن چاهی یا چشمه‌ای هست، باید مشابه این جهان باشد (Burckhardt 2013). جدّیت موضوع «تفکر اسلامی» در ایران، به جهت اتصافش به صفت «اسلامی» است که این صفت بیانگر بار فرهنگی غنی و سنگین و شناخته‌شده اسلام در جهان است؛ جهانیان انتظار دارند که تجلّی فرهنگ و عقاید اسلامی را در فرآورده‌های فکری و کالبدی این مرزوبوم، مشاهده کنند. طبیعی است که یکی از مهم‌ترین این تولیدات و دستاوردها، معماری و شهر (محیط زندگی انسان) و ازجمله مهم‌ترین جزء آن یعنی «مسکن» است (Naghizadeh 2012). در جدول شماره ۸، به تبیین اصول و ویژگی‌های بنیادین مسکن مطلوب اسلامی پرداخته می‌شود.

آبادی خانه ایرانی نه به ساختمان آن‌ها که به معنویت درونی آن‌ها بسته است. خانه‌های ایرانی که بهترین نمونه‌های آن‌ها هنوز در گوشه و کنار بسیاری از شهرها یافت می‌شوند، آباد هستند زیرا رو به سوی عالمی دیگر دارند (Farzanyar 1992). مسکن ایرانی نه به معنای جایی برای بودن و ماندن، بلکه جایی برای شدن، است. انسان سنتی از نظر اسلام دوسویه است، یک‌سوی او به سمت خدا و روح الهی و سوی دیگر او به سمت زمین و نیازهای نفسانی حرکت می‌کند. مسکن هم وقتی پاسخگوی این دو زمینه انسانی باشد، به آن، «مسکن سنتی» اطلاق می‌شود. به تعبیر دیگر، مسکن سنتی همانند انسان سنتی یک صورت ظاهر و یک سیرت باطنی دارد که به صورت رمز و تمثیل بیان می‌شود.

«مفهوم خانه» به عنوان یک‌شکل کالبدی، بر اساس سازمان فضاهای داخلی قرار نمی‌گیرد بلکه «معنی» در طراحی آن اهمیت پیدا می‌کند. در زندگی روزمره، «معنی» در استفاده از فضاها نهفته است. مکان‌ها معنی دارند و خانه مکان اصلی فعالیت‌های روزانه انسان است (Zukin 1995 Quoted by Pourdeihimi 2011). خانه، حرم (Sacratum) خانواده است و قلمرو حکمروایی زن که مرد در آن قلمرو، میهمانی بیش نیست. وانگهی شکل مربع‌اش با قانون نکاح در اسلام که به مرد اجازه می‌دهد تا چهار زن به عقد ازدواج خود درآورد، به شرط رعایت عدل و انصاف در میان آنان، مطابقت دارد. «خانه اسلامی»، به روی دنیای خارج، کاملاً بسته است - و بدین گونه زندگانی خانوادگی از حیات مشترک اجتماعی، جدا و سوا شده است - و تنها بالای آن به سوی آسمان باز است که آسمان از آن طریق، در پایین، در چشمه آب حیاط، انعکاس می‌یابد. حیاط با چشمه آب در میانش به مانند باغ محصوری که چهار جوی از مرکزش جاری است، تمثیل بهشت است زیرا قرآن از باغ‌های نعیم ابدی و سعادت سرمدی (جنات نعیم) که در آن چشمه‌ها می‌جوشند، یک یا دو چشمه در هر باغی که اقامتگاه حوریان بهشتی (ازواج مطهره، حور عین) است، سخن می‌گوید. اقتضای طبیعت جنّت، این است که مستور و سرّی باشد، چون با دنیای باطنی و قعر روان مطابقت دارد. خانه مسلمانان با حیاط داخلی

Table 8: Basic Principles and Criteria of Iranian-Islamic Housing (Naghizadeh 2012; Keramati 2011; Zarghami and Sadat 2016)

ویژگی	اصول و معیارها	تعریف
ویژگی‌های بنیادین مسکن ایرانی اسلامی	توجه به فرهنگ جامعه	باید توجه داشت که هر یک از مکاتب معماری و شهرسازی بر پایه‌های اعتقادی و فکری (مبانی نظری) خاص خود استوار هستند اما چون بسیاری افراد یا به این مبانی توجه ندارند یا این که خود می‌خواهند مروج اصول و ارزش‌های خاصی باشند، دست به تقلید یا ترویج الگوهای بیگانه می‌زنند. تقلید و ترویجی که خود، شکلی از تکرار و در نتیجه، بی‌هویتی و ازخودبیگانگی است. این تکرار و تقلید، به مرور هویت جامعه را دگرگون می‌کند، ازخودبیگانگی و احساس حقارت در مقابل صاحبان اصلی، الگوها را رشد می‌دهد، به ارزش‌ها و اصول فرهنگی جامعه لطمه وارد می‌کند و در نهایت، منجر به استحاله و اضمحلال تمدن و فرهنگی که دست به تقلید زده است، می‌شود.
	فراهم آوردن امکان «زندگی اسلامی ایرانی»	هر جامعه‌ای به تناسب فرهنگ خویش تمایل دارد تا در فضاهای مختلف زیست و فعالیت خویش، آداب و رسوم و فعالیت‌های خاصی را برپا دارد (آداب و رسومی مانند صلح‌رحم، عمل به توصیه معاشرت با همسایگان، توجه به طهارت و پاک‌ی فضاهای زیست (نفی اختلاط و هم‌جواری فضاهای بهداشتی با فضای زندگی)، شیوه‌های پذیرایی خاص ایرانی، حمایت از سالمندان، رعایت حریم بزرگسالان، رازداری خانوادگی و ...).
	جامع‌نگری و وحدت‌گرایی	«فرد» و «جامعه» به عنوان دو عنصر اساسی مطرح در زمینه‌ها و دانش‌های مختلف بشری، هر کدام در هر مکتبی، تعاریف و اهمیت خاصی دارند؛ در مقوله «مسکن مطلوب»، توجه به این نکته ضروری است که «مسکن» و به ویژه ظاهر (سیمای و کالبد) آن به عاملی در جهت خدشه به وحدت جامعه نیانجامد. در این راستا، توجه به مفاهیم و ارزش‌هایی همچون: زیبایی، سادگی، تأکید بر هویت ملی و وحدت اجتماعی، احتراز از تفاخر فردی، اجتناب از خودنمایی، اجتناب از هم‌شکلی با بیگانه، احتراز از عریانی و احتراز از اموری که سبب ترویج فردگرایی و خدشه به وحدت جامعه می‌شوند، ضرورت دارد. توجه به این عوامل، خواهد توانست تقویت‌کننده وحدت و همبستگی جامعه باشد.
	حفظ و تقویت روابط همسایگی	یکی از راه‌های ایجاد، حفظ و تقویت روابط همسایگی، «پایداری اسکان» است؛ توجه به جامعه، در واقع، نوعی تقویت وحدت جامعه است. معیارهایی مانند «توجه به ارتباطات رودررو» و «ارتباط همسایگان» به عنوان معیارهای مناسب، می‌توانند موجب تقویت وحدت جامعه شوند.
	حفظ و ارتقاء توجه به «خانواده» و «روابط خانوادگی»	آرامش اعضاء خانواده، کیفیت مهمی است که توجه به آن ضرورت بنیادین مسکن مطلوب است. ایجاد محیط آرام در مسکن به عواملی همچون: مکان‌یابی مسکن نسبت به سایر عملکردها، مصالح مصرفی، سلسله‌مراتب بین درون و برون و وسعت آن وابسته است. برخی موضوعاتی که به ویژه در بُعد معنوی مُخَلِّ آرامش انسان هستند عبارت‌اند از: برخی فعالیت‌های همسایگان که مولد انواع آلودگی‌ها محسوب می‌شوند، احتمال در دید بیگانگان بودن، فقدان مراتب مختلف امنیت فیزیولوژیکی، روانی و فرهنگی، در اختیار نبودن فضای کافی برای افراد خانواده و اختلاط قلمروها که فراهم بودن امکان پذیرایی از مهمانان را ناممکن می‌کند.
	امنیت	ویژگی‌های معماری مسکن مطلوب باید به گونه‌ای باشد که درجات مختلف امنیت را برای ساکنان خویش فراهم آورد. بازرترین مصادیق امنیت عبارت هستند از: امنیت در مقابل بلاها و سوانح طبیعی و غیرطبیعی، امنیت فرهنگی، امنیت روانی، امنیت اخلاقی، امنیت در برابر گناه، امنیت فکری و سایر وجوه و مراتب معنوی و روانی امنیت.
	هویت	«هویت»، اصلی است که جهان‌بینی اسلامی به جثه، آن را مورد تأکید قرار داده است. هویت باید نشان از استقلال و خودباوری و عزت جامعه باشد. در غیر این صورت و در صورت تقلید از هویت بیگانه، هویت دیگران ترویج و تبلیغ می‌شود و نوعی از احساس حقارت و ازخودبیگانگی را در جامعه به وجود می‌آورد. در مقوله هویت، معیارهایی همچون: هویت معنوی و جمعی، استقلال، احتراز از خودنمایی، فرم و شکل و کاربری مناسب، بوم‌آوری و هویت ملی را می‌توان معرفی کرد.
	ارتباط با طبیعت و همزیستی با آن (مأخذ تصویر: Keramati 2011)	توجه به طبیعت و عناصر طبیعی و ایجاد ارتباط مناسب انسان با آن‌ها، یکی از اصلی‌ترین شرایط و ویژگی‌های مسکن مطلوب است. در این مقوله، توجه به چند نکته اهمیت دارد: (۱) این که این تماس، باید در یک سلسله‌مراتب منطقی از واحد مسکونی تا کوچه و خیابان و محله و شهر و حتی خارج شهر (طبیعت بکر) برقرار باشد. (۲) عناصر طبیعی بسته به ارزشی که در برآورده کردن نیازهای معنوی و روانی انسان، با توجه به معانی نمادینشان دارند، شناسایی و دسته‌بندی و به مردم یادآوری شوند و امکان تماس با آن‌ها برقرار شود. (۳) به نقش عناصر طبیعی در جهت پاسخگویی به نیازهای معنوی انسان نیز توجه شده و با این نقش مهم به مردم معرفی شود. علاوه بر آن، ملحوظ داشتن شرایط اقلیمی و محیطی در طراحی مسکن، نقش مهمی ایفا می‌کند. این‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند تا نیاز به تنظیم‌کننده‌های مصنوعی برای تنظیم شرایط محیطی به حداقل ممکن کاهش یابد.

	نمی‌داد و حتی کسانی که مقید به آدابی نبودند، حرمت جمع و جامعه را به سهولت نمی‌شکستند.	
	«پاکی» را به شقوق مختلفی از جمله: پاکی هوا، پاکی محیط، پاکی نمای عمارات و پاکی فضاهای داخلی ساختمان‌ها می‌توان تقسیم کرد که هر کدام نیز به «پاکی مرئی (به تمیزی ظاهری و محسوس توسط حواس اطلاق می‌شود)» و «پاکی نامرئی (شامل تمیزی و سلامت محیط و بری بودن آن‌ها از موجودات ریز یا گازها و مواد غیرقابل رؤیت و فراتر از آن، پاکی و طهارت معنوی است)» قابل طبقه‌بندی هستند.	پاکی و طهارت
	رعایت «تقوی» در سه مرتبه: الف) ساخت‌وساز و سیمای عمومی؛ ب) ایجاد شرایط و فضاهایی که امکان متقی نگه‌داشتن اهل شهر را فراهم کند (آن‌ها را از ارتکاب به گناه، بازدارد)؛ پ) اداره شهر و تنظیم روابط اجتماعی.	تقوی
سبب	جلوه‌های چنین اصلی را می‌توان در «سادگی فرم‌ها و اشکال»، «مصالح بومی و محدود»، «درون‌گرایی» و «حداقل استفاده از تزئینات در سطوح بیرونی»، «ارتفاع مناسب و هماهنگ ساختمان‌ها»، «تجانس غیرمادی محلات»، «هم‌جواری متناسب عملکردهای مختلف» و «وحدت کالبدی شهر و عمارات» مشاهده کرد. این موضوع به همراه احتراز از خودستایی و تحقیر دیگران، یکی از موضوعاتی است که باید بر شکل‌گیری شهرها و مسکن مسلمانان، اعم از سیما و شکل، سازمان فضایی، رابطه اجزا آن‌ها با یکدیگر و با مردم تأثیر داشته باشد.	احتراز از کبر
و	جهان‌بینی توحیدی با تکیه بر اصل عدل، به‌عنوان عامل بقای عالم وجود و بالطبع، عامل ایجاد محیط مناسبی برای حیات انسان، غالب موضوعاتی را که در تقابل با «اصل عدل» هستند (مانند فساد و اسراف)، به‌عنوان ظلم معرفی و انسان را از ارتکاب به آن‌ها، نهی می‌کند.	اجتناب از فساد و اسراف

سرمدی (جنات نعیم) که در آن چشمه‌ها می‌جوشند، یک یا دو چشمه در هر باغی که اقامتگاه حوریان بهشتی (ازواج مطهره، حور عین) است، سخن می‌گوید. اقتضای طبیعت جنت، این است که مستور و سرّی باشد، چون با دنیای باطنی و قعر روان مطابقت دارد. خانه مسلمانان با حیاط داخلی محصورش از چهار جانب و یا باغ محصورش که در آن چاهی یا چشمه‌ای هست، باید مشابه این جهان باشد.

صورت مسکن سستی در فضاهای عملکردی و هندسه آشکار خلاصه‌شده است لیکن سیرت باطنی آن نیز ناشی از یک حقیقت برتر است که در فطرت انسانی وجود دارد. فطریاتی درزمینه خواست‌های انسانی که در مسکن سستی پنهان شده و به وجود درونی انسان نزدیک شده است. این خانه، با فطرت وجودی انسان از جمله عوامل اساسی تکوین سیرت مسکن سستی و شکل‌گیری اصول و مبانی ساختاری و نهانی آن است (Afhami and Soltani 2012).



تصویر ۲: تجلی حقیقت «حیات طیبه» در «حیاط مسکن ایرانی اسلامی» (Pourmand and Rikhtehgaran 2012)

Fig. 2: Analysis of Lifestyle and its Impact on the Nature of Hardened Environments (Pourmand and Rikhtehgaran 2012)

۴. تحلیل و بحث

تجلی «حیات طیبه» در «حیاط مسکن ایرانی اسلامی»: خانه به‌عنوان نمادی از آمال و آرزوی انسان و جلوه‌گر سنن اعتقادی و فرهنگی یک جامعه به‌حساب می‌آید. اگر انسان، تصور یک نظم متعالی مبتنی بر آرامش را از جهان در نظر داشته باشد، محل زندگی او، بازتابی از این اندیشه خواهد بود. روح اسلامی جاری در فضای سکونت ایرانی مسلمان، در اتمسفر حیاط خانه او متجلی می‌شود؛ درواقع، تجلی حقیقت «حیات طیبه» به‌عنوان عالی‌ترین درجه سبک زندگی اسلامی در حیاط خانه ایرانی به‌عنوان قلب تپنده آن معنی می‌شود. بهترین تعبیر از این تجلی را، جناب بورکهارت بیان می‌دارند: «حیاط با چشمه آب در میانش به‌مانند باغ محصور که چهار جوی از مرکزش جاری است، تمثیل بهشت هستند، زیرا قرآن از باغ‌های نعیم ابدی و سعادت

نتیجه‌گیری

الأرض... (سوره اعراف، آیه ۱۸۵)؛ حقیقت‌یابی یعنی درک واقعیت آن‌گونه که هست و باید باشد. ایرانی مسلمان به‌خوبی می‌داند که اول و آخر و ظاهر و باطن عالم، خداوند است اما برای جامعه معاصر، درک چگونگی تجلی این مفهوم در فرهنگ، سبک زندگی و معماری، کمی ناآشنا است و لازم است تا در این حوزه کندوکاو لازم انجام شود. سعی ما در این پژوهش، نزدیک شدن به شناخت در این حوزه بود. نتایج پژوهش به‌خوبی نشان داد که تجلی «حیات طیبه» در حیاط مسکن سنتی ایران در دوره اسلامی به چه شکل محقق شده است.

«فرهنگ اسلامی، روح زیبا را زاینده زیبایی و روح زشت را زاینده زشتی می‌داند؛ هر آنچه از سرانگشتان انسان به منصف ظهور می‌رسد، تجسمی از شخصیت پنهانی و تبلوری از وجود روحانی وی است. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که زیبایی و شکوه هنر گذشتگان، نتیجه حلول معنویت و باورهای دینی و اتصال با حقیقت است و ایشان، بر این «اتصال» مواظبتی درخور داشتند: چرخ با این اختران، نغز و خوش و زیباستی/ صورتی در زیر دارد، آنچه در بالاستی». در سرتاسر قرآن کریم، اشارات زیادی هست که از انسان می‌خواهد پرده‌های ظاهری را کنار زند و حقیقت باطن امر واقع را کشف کند: «اولم ينظروا فی ملکوت السموات و

فهرست منابع

- ابراهیم پور، جمشید و رحیمی، سید داریوش. ۱۳۹۶. مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی. فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۱۹: ۱۱۷-۱۴۸.
- افشاری، محسن و پوردیهیمی، شهرام و صالح صدق پور، بهرام. ۱۳۹۴. سازگاری محیط با روش زندگی (یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی). فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا، ۱۵۲: ۳-۱۶.
- افهمی، رضا و سلطانی، سحرزمان. ۱۳۹۱. نگرشی به باورهای دینی در مسکن. نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۴: ۱۸-۲۳.
- التیامی‌نیا، رضا و حسینی، علی. ۱۳۹۳. هویت، فرهنگ و سبک زندگی اسلامی در عصر جهانی شدن. دو فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۳(۵): ۱۰۹-۱۴۲.
- الهی زاده، محمدحسین و سیروسی، راضیه. ۱۳۹۳. الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی. فصلنامه سبک زندگی دینی، ۱(۱): ۳۵-۵۲.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۹۲. هنر مقدس (اصول و روش‌ها). ترجمه جلال ستاری. تهران: انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (سرروش).
- بیستونی، محمد. ۱۳۹۱. لغت‌شناسی و مفاهیم قرآن کریم. قم: نشر بیان جوان.
- پورحسن‌درزی، قاسم. ۱۳۸۸. خاص‌گرایی‌های فرهنگی و فرهنگ جهانی. فصلنامه علمی خط اول- رهیافت انقلاب اسلامی، ۳(۹): ۴۵-۶۰.
- پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۰. فرهنگ و مسکن. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا، ۳۰(۱۳۴): ۳-۱۸.
- پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۱. شهر، مسکن و مجموعه‌ها. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- پورمند، حسنعلی و ریخته‌گران، محمدرضا. ۱۳۸۵. حقیقت مکان و فضای معماری. دو فصلنامه علمی مطالعات هنر اسلامی، ۴: ۴۳-۶۰.
- پورمند، حسنعلی و طباطبایی، فاطمه. ۱۳۹۴. الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی- اسلامی (بررسی موردی: خانه رسولیان یزد). فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳(۹): ۱-۱۷.

حقیقی کفاش، مهدی و محمودیان، محمود و تقوا، محمدرضا و اسماعیلی، محمدرضا. ۱۳۹۶. تعیین شاخص‌های معرف محصول فرهنگی هنری ایرانی - اسلامی در نظام جمهوری اسلامی. دو فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال ۷. شماره ۱۶: ۱۳۲-۱۵۰. رجایی، فرهنگ. ۱۳۸۰. پدیده جهانی شدن و وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. ترجمه عبدالحسین آذرننگ. تهران: نشر آگاه. حیدر پور، حسن و صادق زاده قمصری، علیرضا و سجادی، سید مهدی. ۱۳۹۷. تحلیل تطبیقی راهنمای برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه دوم با مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی - ایرانی. فصلنامه علمی مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۴): ۳۵-۶۶. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۶۸. امام خامنه‌ای. روزنامه رسالت، ۱۶ آذرماه: ۱-۲. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۹۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت... خامنه‌ای، <http://farsi.khamenei.ir>.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۸۵. مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمیان. تهران: نشر سبحان. رحیم‌پور ازغدی، حسن. ۱۳۸۷. جهانی‌سازی غربی، جهانی‌سازی اسلامی. تهران: مؤسسه هنری ادبی طرحی برای فردا. رستگار، علی و رضایی، صادق. ۱۳۹۲. آینده‌پژوهی چالش‌های سازمانی فراروی پلیس متأثر از جهانی‌شدن. فصلنامه علمی دانش انتظامی، سال ۱۵. شماره ۴: ۷۹-۱۰۶.

رضوی زاده، سید نورالدین. ۱۳۸۶. بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

داعی پور، زینب. ۱۳۹۳. رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خانه‌های سنتی ایران. ماهنامه علمی باغ نظر، ۱۱(۳۰): ۴۹-۵۸. کافی، مجید. ۱۳۹۴. مدل روش‌شناختی مطالعه سبک زندگی اسلامی. دو فصلنامه علمی پژوهش‌نامه سبک زندگی، ۱(۱): ۱۲۱-۱۳۸. کاوسی، اسماعیل و حسین زادگان، زهره. ۱۳۹۰. حفظ هویت ایرانی - اسلامی در فرایند جهانی‌شدن. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۲(۳): ۳۷-۶۲.

کاوینی، محمد. ۱۳۹۱. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. کرامتی، غزال. ۱۳۹۰. خانه ایرانی، مکان گفتگوی انسان و طبیعت... همایش ملی مسکن ایرانی، مهرماه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز.

کوثری نیا، نفیسه. ۱۳۹۲. ارتباط سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه در قرآن کریم. فصلنامه قرآنی کوثر، ۴۸: ۵-۱۸. گیلدنز، آنتونی. ۱۳۸۱. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر ری. شهیدی، نیما. ۱۳۸۵. جهانی‌شدن آموزش عالی. فصلنامه فرهنگ آموزش، ۲(۳): ۲۱-۲۹. شهیدی، نیما. ۱۳۸۶. آموزش عالی در عصر جهانی‌شدن. تهران: نشر نوید. ضرغامی، اسماعیل و سادات، سیده‌اشرف. ۱۳۹۵. بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی - اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز. فصلنامه علمی نقش جهان، ۶(۲): ۶۰-۷۲.

طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۳۷۴. تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی. قم: نشر حوزه علمیه قم. طبیب، سید محمدحسین. ۱۳۷۸. تفسیر اطبیب‌البیان. تهران: انتشارات اسلام.

عالم زاده نوری، محمد. ۱۳۹۵. عالم‌زاده نوری: باید به روح سبک زندگی اهل بیت (ع) دست یافت. خبرگزاری ابنا، کد خبر: ۷۰۵۷۹۴، ۱۷ تیرماه ساعت ۱۷:۵۰، <https://fa.abna24.com/cultural/archive/2016/07/07/705794/story.html>.

علینی، محمد. ۱۳۹۳. بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی. فصلنامه علمی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱(۴): ۷۷-۱۰۷.

فرزانیار، حمیدرضا. ۱۳۷۱. بر آستانه خانه. فصلنامه علمی صفا، ۲(۱): ۹-۱۸. قاسمی، حاکم. ۱۳۹۶. آینده‌نگاری تمدن نوین اسلامی. دو فصلنامه علمی آینده‌پژوهی ایران، ۲(۲): ۱-۲. مکارم‌شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه. محمدی‌ری‌شهری، محمد. ۱۳۸۴. منتخب میزان‌الحکمه، تلخیص حسینی. قم: نشر دارالحدیث.

نادری، مهدی و پیرانی، شهره. ۱۳۹۹. راهبردهای پیشرو در پسا چهل سالگی انقلاب اسلامی (تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، ۱۶(۱): ۳۰۵-۳۲۸.

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۱. تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی. نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۰: ۳۸-۵۵.

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۲. مسکن: مبانی نظری تا جلوه‌های عینی. نشریه کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۵: ۷۴-۸۵.

منابع انگلیسی

- The Holy Quran. 2010. Translated by Mahdi Elahi Ghmshei. Tehran: Printing and Publishing Organization.
- Afhami, R. & Soltani, S. 2012. An Attitude Towards Religious Beliefs in Housing. Book of the Month of Art (174): 18-23 [In Persian].
- Afshari, M. and Pourdeyhimi, S. & Saleh Sedgh poor, B. 2016. The Environmental Adaptation of Human Lifestyle. Journal of Housing and Rural Environment (JHRE) 34(152): 3-16 [In Persian].
- Alemzadeh Nouri, M. 2016. Alemzadeh Nouri: The spirit of the lifestyle of the Ahl al-Bayt (AS) must be achieved. Ibna News Agency, news code: 705794, 17 July at 17:50, <<https://fa.abna24.com/cultural/archive/2016/07/705794/story.html>> [In Persian].
- Bistuni, M. 2012. Vocabulary and Concepts of the Holy Quran. Qom: Young Expression Publishing [In Persian].
- Burckhardt, T. 2013. Principios y Metodos del Arte Sagrado (Principes et méthodes de l'art sacré). Translated By Jalal Sattari. Tehran: Surosh [In Persian].
- Daeipour, Z. 2014. The Relationship Between the Presence of Nature and the Increase in the Sense of Belonging in the Iranian Traditional Houses. The Science Journal of NAZAR Research Center 11(30): 33- 42 [In Persian].
- Ebrahimipour, J. & Rahimi, S. D. 2017. Components and Indicators of Islamic Lifestyle. Quarterly Journal of New Research in the Humanities (19): 117-148 [In Persian].
- Elahizadeh, M. H. and Sirusi, R. 2014. Housing modeling based on Islamic lifestyle. Journal of Religious Lifestyle 1(1): 35- 52 [In Persian].
- Ellini, M. 2014. The Function of Family in the Formation of the Islamic Lifestyle. Journal of Islam and Social Studies 1(4): 77- 107 [In Persian].
- Eltiaminia, R. and Hosseini, A. 2014. Identity, Culture and Islamic Lifestyle in the Age of Globalization. Bi-Quarterly Journal of Iranian Islamic Progress Pattern Studies 3(5): 109- 142 [In Persian].
- Farzanyar, H. R. 1992. On the Threshold of The House. Journal of Sofeh 2(1): 9-18 [In Persian].
- Ghasemi, Hakem. 2018. Islamic Civilization in Transition; the Necessity of Foresight and Strategic Planning in Creating the New Islamic Civilization. Journal of Iran Futures Studies 2(2): 3- 21 [In Persian].
- Giddens, A. 2002. Sociology. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Rey Publishing [In Persian].
- Harvy, D. 1989. The Condition of Postmodernity. Oxford: Basil Blackwell.
- Haghighi, M. and Mohamadian, M. & Taghva, M. R. & Esmaili, M. R. 2017. Defining the indicators representing cultural, artistic and Islamic-Iranian product in the Islamic republic of Iran. Journal of Soft Power 7(16): 132- 150 [In Persian].
- Heydarpour, H. and Sadeghzadeh-Ghamsari, A. & Sajjadi, S. A. 2019. Comparative Analysis Between Curriculum Guideline for Religion and Life Textbooks of the Upper Secondary Education, and Components of Islamic - Iranian Lifestyle. Quarterly journal of Applied Issues in Islamic Education 3(4): 35- 66 [In Persian].
- Kafi, M. 2015. Methodological Model of the Study of Islamic Lifestyle. Journal of Lifestyle Research 1(1): 121- 138 [In Persian].
- Kaviani, M. 2012. Islamic Lifestyle and its Measurement Tools. Qom: Research Center and University [In Persian].
- Kavusi, E. & Hosseinzadegan, Z. 2011. Necessity of Protecting Irano-Islamic Identity in the era of Globalization. Quarterly Journal of Strategic Studies of Public Policy 2(3): 37- 62 [In Persian].
- Keramati, Gh. 2011. Iranian Housing, The Place of Dialogue Between Human and Nature... . National Iranian Housing Conference. October, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Shiraz [In Persian].
- Kowsarinia, N. 2013. The Relationship Between Islamic Lifestyle and Pure Life In the Holy Quran. Journal of Kowsar Quranic (48): 5- 18 [In Persian].
- Khamenei, S. A. 1989. Imam Khamenei. Resalat Newspaper: 1- 2 [In Persian].
- Khamenei, S. A. 2011. <<http://farsi.khamenei.ir>>.
- Khamenei, S. A. 2012. Statements in the meeting of the youth of North Khorasan province. Website of the Office for the Preservation and Publication of the Works of Hazrat Ayatollah Khamenei, <<http://farsi.khamenei.ir>>.
- Makarem Shirazi, N. 1995. Sample Interpretation. Tehran: Islamic Library [In Persian].
- Mohammadi Rey Shahri, M. 2005. Selected Mizan Al-Hekam, Summarized by Hosseini. Qom: Dar al-Hadith Publishing [In Persian].
- Naderi, M. & Perani, Sh. 2020. Leading Strategies in the Aftermath fortieth of the Islamic Revolution (Explaining the Second Step of the Islamic Revolution Statement). Journal of Political Knowledge 16(1): 305- 328 [In Persian].
- Naghizadeh, M. 2012. A Reflection on Recognizing the Fundamentals of Islamic-Iranian Housing. Book of the Month of Art (170): 38- 55 [In Persian].
- Naghizadeh, M. 2013. Housing: Theoretical Foundations to Objective Effects. Book of the Month of Art (185): 74- 85 [In Persian].

- Pourdeihimi, Shahram. 2011. Culture and Housing. *Journal of Housing and Rural Environment (JHRE)* 30(134): 3-18 [In Persian].
- Pourdeihimi, Shahram. 2011. *City, Dwelling and Housing Complex*. Tehran: Armanshahr [In Persian].
- Pourhassan Darzi, Gh. 2009. Cultural specificities and world culture. *Journal of First Line-Approach to the Islamic Revolution* 3(9): 45-60 [In Persian].
- Pourmand, H. A. and Rikhtehgaran, M. R. 2006. The Truth of Place and Architectural Space. *Journal of Islamic Art Studies* (4): 43- 60 [In Persian].
- Pourmand, H. A. & Tabatabaei, F. 2016. The Latent Pattern of Spatial Arrangement in Iranian-Islamic Houses, (Case study of Rasoulia House, Yazd). *Iran University of Science & Technology* 3(4): 3-17 [In Persian].
- Ragheb Isfahani, H. 2006. *Vocabulary of Quranic Words*. Translated by Mostafa Rahimian. Tehran: Sobhan Publishing [In Persian].
- Rahimpourazqadi, H. 2008. *Western Globalization, Islamic Globalization*. Tehran: Literary Art Institute plan for tomorrow [In Persian].
- Rajaei, F. 2001. *The Phenomenon of Globalization and the Human Condition and Information Civilization*. Translated by Abdulhussein Azarang. Tehran: Agah Publishing [In Persian].
- Rastegar, A. & Rezaei, S. 2013. The Future of Organizational Challenges Facing the Police Affected by Globalization. *Danesh-e- Entezami of Hormozgan Quarterly* 15(4): 79-106 [In Persian].
- Razavizadeh, S. N. 2007. Investigating the Effect of Media Consumption on the Lifestyle of Tehran Residents. Tehran: Institute of Culture, Art and Communication [In Persian].
- Shahidi, N. 2006. Globalization of Higher Education. *Quarterly Journal of Education Culture* 2(3): 21-29 [In Persian].
- Shahidi, N. 2007. *Higher Education in the Age of Globalization*. Tehran: Navid Publishing [In Persian].
- Tabatabaei, S. M. H. 1995. *Al-Mizan Interpretation*. Translated by Mousavi Hamedani. Qom: Qom Seminary Publishing [In Persian].
- Tayyeb, S. M. H. 1999. *Interpretation of Atib Al-Albian*. Tehran: Islam Publications [In Persian].
- Zarghami, E. & Sadat, S. A. 2016. Comparative Analysis of Indicators of Housing on the Basis of Today's Persian-Islamic Culture with Apartment Housing. *Naqshejahan-Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning* 6(2): 60- 72 [In Persian].
- Zukin, Sh. 1995. *Cultures of Cities*, Cambridge, Mass. Oxford: Blackwell.